

## گوشه‌ای از اساطیر دین زردشتی

در فرصتی چنین کوتاه امکان آن نیست که همه اساطیر ایرانی پیش شود و با جزئیات مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. سعی ما فقط بر این خواهد بود که تاریخچه اساطیری آفرینش را، از ابتدا تا انتها، مطابق نوشته‌های دینی زردشتی صرف‌نظر از جزئیات، بازگو کنیم.

اساطیر زروانی، مانوی و مزدیسنايي متقدم و متأخر، هر کدام بنحوی آفرینش را توجیه می‌کنند، ما از میان آنها یکی را انتخاب می‌کنیم: که از بی‌بایان، زمانی محدود بوجود می‌آید، برگشت ما بسوی زمان بی‌بایان، و آفرینش جهان ما در این زمان محدود صورت می‌گیرد<sup>۱</sup>. دوره این آفرینش در اساطیر زردشتی نه‌هزار سال است که سه‌هزار سالی که جهان فقط در حالت مینوی باید به آن اضافه گردد<sup>۲</sup>. در این دنیای مینوی اوهرمز در نور مطلق و اهریمن در تاریکی قرار دارد<sup>۳</sup> اوهرمز با دانش از همه چیز آگاه خود از هستی اهریمن اطلاع دارد ولی اهریمن تا لحظه‌ای که تصادفاً اشعه‌ای از نور را مشاهده می‌کند از وجود اوهرمز بی‌خبر است. او از قلمرو خود که تاریکی مطلق است بسوی این نور ناگهان مشاهده کرده است می‌تازد، ولی مقاومت می‌بیند و به عقب رانده می‌شود.

۱- J. Duchesne Guillemin, *La religion de L'Iran ancien*, Paris, 1952, P. 312

۲- A. Christensen. *Les types du premier homme et du premier roi* Stockholm, 1918. Vol. I pp. 21 et 45.

۳- B. T. Anklesaria, *Greater Bundahish*, Bombay, 1956, ch. I, 1-4

۴- *Ibid* I. 13

۵- *Ibid* I, 15

برای همراهی خود، دیوان و بدکاران مینوی رامی آفریند. او هر مزد مایل به آشتی است ولی هریمن نمی‌پذیرد و به مبارزه‌ای در حدود نه‌هزار سال برمی‌خیزد<sup>۱</sup>. او هر مزد با دانش از همه چیز آگاه خود می‌داند که از این نه‌هزار سال سه‌هزار سال اول مطابق میل او جریان خواهد یافت، سه‌هزار سال دوم آمیزشی خواهد بود از میل و خواست او و هریمن و سه‌هزار ساله آخرین دوره ناتوانی هریمن و بدکاران خواهد بود<sup>۲</sup>.

او هر مزد در برابر حمله هریمن دعای معروف بنا اهو وئیرورا برمیخواند و از تأثیر آن هریمن گنابینو سه‌هزار سال بیهوش در تاریکی فرو می‌رود<sup>۳</sup>. برای پیش‌بینی حملات بعدی، او هر مزد آفرینش خود را آغاز می‌کند. او با اعمال تمام قدرت خود می‌تواند هریمن را در مرزهای دوجهان متوقف کند، ولی اینکار محظوراتی بوجود می‌آورد و به حمله و تهدید هریمنی حائلی جاودان می‌بخشد. به همین دلیل از این موضوع صرف‌نظر می‌کند. بهترین راه برای مبارزه، کاستن نیروی بدی است و ممانعت همیشگی از اقدامات او<sup>۴</sup>.

او هر مزد، آفرینش مینوی و گیتی خود را آغاز می‌کند، در حالیکه هریمن، رقیب و منخاصم او فقط آفرینش مینوی خواهد داشت<sup>۵</sup>.

او هر مزد، وهومن یا بهمن و پنج امشاسپند دیگر را می‌آفریند که خود به آنها به عنوان هفتمین افزوده می‌گردد. از آفریده‌های گیتی، آسمان، آب، زمین، گیاهان، چهارپایان و سرانجام نوع انسان را بوجود می‌آورد<sup>۶</sup>.

این اولین انسان یعنی کیومرث در گیتی بوجود می‌آید، او در مرکز جهان در ایران ویج در کنار رودخانه داییتی است و در کنار او گاو ایو کدار یا یکتا آفریده قرار دارد. آنها در آغاز هر دو بی‌حرکت و بی‌مرگ هستند و بطور کلی آفرینش جنبش ندارد و از ناپاکی‌ها و آرایشها به دور است، اما اگر این آفریده‌ها همچنان بی‌حرکت بمانند امکان از بین بردن بدی وجود نخواهد داشت. به همین جهت در آخر

۱— *Ibid.* I, 20-26.

۲— *Ibid.* I, 28.

۳— *Ibid.* I, 31-32.

۴— M Mole, *l'Iran ancien*, P. 103.

۵— *Ibid.*, P. 104.

۶— *Bundabishn.* I, 53-54.

سه هزار سال، اوهرمزد از «زروان» یا زمان تقاضای کمک می کند و زروان آفرین اوهرمزدی را به جنبش درمیآورد<sup>۱</sup>. سه هزار سالی که از بیهوشی اهریمن میگذرد، دیوان و دروندان مینوی یکی بعد از دیگری او را به بیرون آمدن از این حالت تشقی می کنند ولی اثر دعای راستی هنوز کارگر است. تا اینکه سرانجام «جه» ناپاک که سمبل و نمونه هرزگی و ناپاکی و بدکارگی زن است دوبار بر سر اهریمن فریاد میزند و از قدرت و خرابکاری خود و دیوان داد سخن می دهد و اهریمن را به بر خاستن تریب می نماید و اهریمن گنمینو با جهشی بر می خیزد و بر سر «جه» بوسه می زند و این ناپاکی ها آشکار میگردد<sup>۲</sup>.

اهریمن گنمینورا دیوان و بدکاران مینوی و مهمتر از همه «جه» ناپاک همایی می کنند و دیو آرزو بعنوان راهنما پیشقدم است. با حمله بزرگ آنها یک سوم آسمان نابود می شود و چون لشگر مهاجمی بزمین می تازند و حیوانات موزی تمام زمین را فرا میگیرد. آنها می خشکند. گیاهان پژمرده می شوند. کیومرث و گاو ابو کلدانیز در معرض این حمله قرار دارند. آرزو، نیاز، رنج، گرسنگی، تشنگی، بیهوشی و خواب آلودگی بدن آنها را فرا میگیرد<sup>۳</sup>. با همه آمادگی که اوهرمزد در بدنگاو بوجود آورده است اوضاع می شود و با اینکه کمتر درد را احساس می کند از بین می رود<sup>۴</sup>. مغز استخوان او در زمین به گیاهان خوراکی و دارویی زندگی می بخشد و نطفه او که به ماه می رود بعدها عامل ایجاد حیوانات اهلی و مفید خواهد بود. اما کیومرث در آن لحظه با کمک اوهرمزد به بیهوشی فرو میرود و نابود نشود. اهریمن گنمینو، دیواستوهات را با هزار دیو دیگر به سروقتش می فرستد ترنگ را برای او بوجود آورند، اما مرگ بعد از سی سال به سراغ او می آید<sup>۵</sup>. او در موقع مرگ به زمین می افتد، جسد او فلزها را بوجود می آورد چون

۱ - Duchesne-Guillemin *La religion...*, P. 312

۲ - *Bundahishn* IV, 1-5.

A. Christensen. *Les types...* PP. 15-16.

۳ - *Bundahishn*. IV 19.

۴ - *Bundahishn*. IV. 20.

۵ - Duchesne-Guillemin *La religion...*, P. 323.

*Bundahishn* XIII 4.

۶ - *Bundahishn*. IV. 24-25

رگه‌های فلز در زمین را میتوان به استخوان‌بندی بدن انسان تشبیه کرد و نطفهٔ او در نورخورشید صاف میشود. دوسوم آنرا ایزد نربوسنگ حفظ میکند و یک‌سوم دیگر به زمین میریزد و به‌سپندارمند حافظ زمین تعلق می‌گیرد که از آن شاخهٔ ریواس سبز میشود و مشیه و مشیانه، اولین زوج انسانی از این شاخهٔ ریواس بوجود می‌آید. آنها به محض اینکه شکل انسانی بخود می‌گیرند، اوهرمزد افکار اوهرمزدی را به آنها تلقین می‌کند که اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک داشته باشند. دیوان را نسانیدو از کارهای دیوی بهره‌ریزند. و اولین جفت انسانی، اوهرمزد را اول بار بعنوان آفریننده می‌شناسد. اما اهریمن ایشان را در امان نمی‌گذارد. در نتیجه مشیه و مشیانه فریب افکار پلید دیوان و اهریمن را می‌خورند و به ایشان تلقین می‌شود که آفرینندهٔ آب، زمین، گیاهان و سایر چیزها، اهریمن گنامینوست. این نظر را می‌پذیرند و تکرار می‌کنند و دوزخی میشوند. سی‌روز گرسنه می‌مانند. جرعهٔ آبی می‌خورند و با گیاهان خود را می‌پوشانند. در انتهای سی‌روز به بز سفیدی برخورد می‌کنند و شیر آنرا می‌مکند و وانمود می‌نمایند که لذتی نبرده‌اند. این دومین دروغشان است. بعد از سی‌روز دیگر چهارپایی را می‌کشند. آنرا کباب می‌کنند و قسمتی را به طرف آسمان برای خدایان پرتاب می‌کنند، کرکسی آنرا می‌بلعد، گاوی را می‌یابند و شیر آنرا می‌دوشند و کمی در جهت شمال می‌ریزند و با این عمل دیوان قوی‌تر می‌گردند. در دنبالهٔ این چندین گناه، حق‌ناشناسی و بی‌اطاعتی، قدرت دیوها بر آنها زیاد می‌شود و نیروی آن‌ها افزونی می‌یابد و برای آنها گرسنگی و تشنگی بوجود می‌آورد. غذا قدرت غذایی خود را برای ایشان از دست می‌دهد. آنها مجبورند صد برابر بیش از سابق بخورند. مهمتر از همه تا پنجاه سال فرزندی نمی‌توانند بوجود بیاورند. ولی در پایان پنجاه سال، سرانجام باهم وصلت می‌کنند و نه‌ماه بعد مشیانه اولین پسر و دختر را دنیا می‌آورد. این نوزادان بقدری به‌چشم‌پلر و مادر دوست‌داشتنی و لذیذ می‌آیند که پدر یکی را می‌بلعد و مادر دیگری را. از آن به بعد، اوهرمزد این حالت را از نوزادان برمی‌گیرد تا دیگر پلر و مادر فرزندان خود را نخورند و نسل بشر هم از هم ننگسلد.

اوهرمزد به آنها کاشتن گندم را می‌آموزد. هنرهای مختلف، آهنگری،

۱- Duchesn-Guillemin, PP. 334-325.

۲- Duchesne-Guillemin *La religion...*, P. 347.

نجاری، خیاطی و غیره . . . بوجود می آید . فرزندان ایشان در هفت کشور پرا  
می شوند و این اصول ابتدایی و اولیه را گسترش می دهند<sup>۱</sup> .

پس از آن دوره قهرمانان و زمامداران قهرمانی بنا بر سنت زردشتی است .  
اول بار هوشنگ پیشداد سلطنت را بنیان می نهد و برادرش وئیک  
کشاورزی را<sup>۲</sup> . بعد از هوشنگ تمورث زمانداری می کند<sup>۳</sup> . بنا بر افسانه ای ، تمور  
اهریمن گنامینورا به بند می کند و به شکل اسبی در می آورد و مدت سی سال بر او  
می شود . ولی اهریمن زن او را فریب می دهد و بکمک او تمورث را از بین می  
آزاد می شود<sup>۴</sup> . بعد نوبت به جمشید می رسد . در دوران او مدت ۹ قرن مر  
بی مرگ می شوند . بنیان گذاری سه یا چهار طبقه اجتماعی ( مؤبدان ، ارتشتار  
کشاورزان و صنعتگران ) را به او نسبت می دهند<sup>۵</sup> . حتی در سنت زردشتی آمده  
که به او پیشنهاد پیامبری نیز شده ولی از عهده بر نیامده است<sup>۶</sup> . در سرانجام مامد  
خود فریب دیوان را می خورد و خود را خدا می پندارد و همین باعث میشود که آژی  
یا ضحاک ، مرد اژدهایی او را از بین ببرد و خود این ضحاک بدست فریدون گر  
میشود . از هوشنگ تا ضحاک ، فرمانروایان هم بر انسانها و هم بر دیوها حکو  
می کنند . فریدون برای آخرین بار با دیوان مواجه میشود و مانند هر شنگ با د  
مازندران ستیز می کند و بعد از درگیری با آنها همه چیز به قلمرو انسانی بر میگر  
فریدون در کشور مرکزی « خونیرس » سلطنت می کند و بعد آنرا بین سه پسر  
ایرج نیای ایرانیان ، تور و سلم تقسیم می نماید .

بعد از مرگ ایرج به دست برادرانش ، یکی از اخلاف او ، منوچهر ،  
بر ایران حکومت می کند .

۱- M. Molé *L'Iran ancien*, P. 107.

۲- Vaikart.

۳- *Dinkart*, Book V. P. 438 (Madan)

۴- M. Molé *L'Iran...*, P. 107.

۵- رجوع کنید به مقاله « ادبیات زردشتی به زبان فارسی » بقلم نگارنده ، مجله دانش  
ادبیات ، شماره ۷۲ .

۵- M. Molé, *L'Iran ancien*, P. 107.

۷- دهابار ، صد در بندیشن ، فصل ۵ و ۳۱ .

۶- M. Molé, *L'Iran ancien*, P. 107-108 .

بعد از ایشان نوبت به کیانیان می‌رسد. یکی از بزرگترین زمامداران آن کیخسرو است. اوست که آتش آذرگشنسب آتش ارتشاران را بنیان می‌نهد. او در آخر ناپدید می‌شود ولی نمی‌میرد. در محل مرموزی پنهان است و وظیفه او این خواهد بود که گرشاسب پهلواندا در آخرین هزاره بیدار کند تا ضحاک را که فریدون به زنجیر کرده است از بین ببرد.<sup>۱</sup>

آتش کشاورزان را کی ویشتاسب که حامی زردشت است بوجود می‌آورد سه هزاره دوم که دوره آمبختگی خواسته‌های او هر مزدی و اهریمنی است ادامه می‌یابد و در همین مدت آفرینش زردشت از طرف او هر مزد با کمک امشاسپندان تهیه و تدارک می‌شود و برای آفریدن «فر»، «فروهر» و «جوهرتن» او کوششهایی می‌گردد و او هر مزد اول بار «فر» او را می‌آفریند. این «فر» بسوی نورهای بی‌پایان می‌گریزد و از آنجا بسوی آفتاب و سپس بسوی ماه و سپس بسوی ستارگان و از ستارگان وارد آتش می‌شود که در خانه پدر «دوغدو»، زنی که بعد ها مادر زردشت خواهد شد فروزان است. و این درست لحظه‌ای است که دوغدو به دنیا می‌آید. فر از میان آرد آتش وارد بدن دوغدو می‌گردد<sup>۲</sup> و بهمین دلیل و به خاطر همین فر، قبل از دنیا آمدن زردشت این زن همیشه درخشان و تابان است.<sup>۳</sup>

بعد حوادثی پیش می‌آید که دوغدو با پوروشسب، مردی از خاندان سیتیمان که پدر زردشت خواهد بود آشنا می‌گردد.<sup>۴</sup>

«فروهر» زردشت با همراهی امشاسپندان و هومن و اشوهشت، وارد شاخه‌ای از «هوم» می‌گردد که پوروشسب پدر زردشت آنرا می‌چیند و از آن شیرۀ «هوم» تهیه می‌کند.<sup>۵</sup>

«جوهرتن» یعنی صورت گیتی وجود زردشت به همراهی امشاسپندان خرداد و مرداد وارد گیاهان و از آن راه وارد شیر گاوی می‌شود که مادر زردشت آنرا می‌دوشد

۱ — Molé *L'Iran...*, P. 115.

۲ — *Dinkari* Book VII P.601 (Madan)

Molé, *La légende de Zoroastre selon les textes pahlavi*;  
1967, P.15

۳ — *Dinkari*, Book V, P. 434 (Madan), Book VII, P. 602. (Madan)

۴ — *Dinkari*, Book VII, PP. 602-603 (Madan)

۵ — *Ibid*, PP. 603-607



و با همان شیر «هوم» مخلوط می کند و پوروشسب و دوغلو از آن می خورند و بعد زردشت بوجود می آید<sup>۱</sup>.

دیوان کریانو کوی ها که جادوگران ورؤسای دینی دوراند، بادین مزدیسنا و رواج آن مخالفت دارند و چون از وجود این پدیده ها آگاهند بارها سعی می کنند که آنها را از بین ببرند. در دوران آبستنی دوغلو نیز دسیسه ها می سازند که به نتیجه ای نمی رسد<sup>۲</sup>.

معجزات فراوانی تولد زردشت را همراهی می کنند. از سه روز قبل تولدش تمام دهکده پوروشسب در خشان و تابناک است<sup>۳</sup>. و چون به دنیامی آید برخلاف همه نوزادان که می گریند او می خندد<sup>۴</sup>.

خبر به جادوگران و کربان و کوی ها میرسد. پیشوا و بزرگ آنها که دور او نام دارد برای دیدنش می آید و در همان هنگام که می خواهد سر او را به پیچا دستش برجا خشک می شود<sup>۵</sup>.

این بدکاران به پدر زردشت، پوروشسب تلقین می کنند که این بچه شوم است و رضایتش را برای نابودی او جلب می کنند. ولی تمام سعی ها بی نتیجه می ماند زیرا آتشی که برای سوزاندن او فراهم کرده اند نمی سوزد. او را در گذرگاه گاو و آبشخور اسبان می اندازند، اما پیشوا و سر کرده گاو و اسبان او را حمایت می کنند. در برابر لانه ماده گرگی که بچه اش را کشته اند قرار می دهند، اما ماده گرگ در برگشت از جنگل در نزدیکی لانه خشک می شود و در عوض بز شیرده سفید به او نزدیک می گردد و تمام شب شیرش می دهد<sup>۶</sup>.

علی رغم همه این مخالفتها زردشت بزرگ می شود. معجزات دیگر زندگی او را زینت می دهد تا سرانجام موعد آن می رسد که باو هومن ملاقات

۱- *Ibid*, PP. 607-609

۲- *Ibid*, 609. *Zatsparam* ( B. T. Anklesaria ), ch. VIII.

۳- *Dinkart*, Book VII, P. 610.

۴- *Ibid* P. 614, *Zaspasam*, ch. VIII, 26

زردشت نامه و چاپ دبیرساقی، صفحات ۱۲ و ۱۳

۵- *Dinkart*, Book VII P. 614. و *Zatsparam*, ch. X.

زردشت نامه، چاپ دبیرساقی، صفحات ۱۳ و ۱۴

۶- *Dinkart*, Book VII, P. 615-617. *Zatsparam*, ch X.

زردشت نامه، چاپ دبیرساقی، صفحات ۱۳-۱۴

کند و سپس به همپرسگی اوهر مزد می‌رسد و به پیامبری برگزیده می‌شود. اصول دین به وراستی و دوستی و نیکی و نیکخواهی را در جهان‌رومی کند و سرانجام به دست تور براتروخش که خود را به صورت گرگ که سمبل حیوانات اهریمنی است در آورده است می‌میرد<sup>۱</sup>.

سه هزار سالی که از عصر جهان باقی است، دوره ناتوان شدن اهریمن است و به ازین رفتن دروج‌ها و دروندان اختصاص خواهد یافت و قهرمانان دیگری دارد: اوشیدر، اوشیدر ماه و سوشیانت که فرزندان موعود زردشتند. زیرا بنا به اساطیر زردشتی، نطفه زردشت در دریاچه Kasaoya یا Kansaoya که با دریاچه هامون مطابقت دارد حفظ می‌شود. این سه فرزند، در آغاز هر هزاره از این نطفه‌ها بوجود خواهند آمد<sup>۲</sup>.

در ابتدای اولین هزاره اوشیدر دنیا می‌آید و چون سی ساله می‌شود به همپرسگی اوهر مزد می‌رود. ده شبانه‌روز خورشید در میان آسمان می‌ایستد و فرو نمی‌شود تا همه کس بداند که کاری نو خواهد بود<sup>۳</sup>.

ملکوس گرگ سهمناک که بجادوی سه سال برف و یاران پدید می‌آورد و بعد ازین میرود به این دوره تعلق دارد. در این هزاره دروج چهارپایان، بخصوص دروج گرگ نابود می‌شود<sup>۴</sup>.

دومین هزاره به اوشیدر ماه تعلق دارد. چون سی ساله می‌شود به همپرسگی اوهر مزد می‌رود بیست شبانه‌روز خورشید در آسمان می‌درخشد تا مردم از کارنوی که پدید می‌آید باخبر شوند<sup>۵</sup>. اردهای غول‌پیکری که دشمن آفرینش است نیز مال این دوره است که اوشیدر ماه بجنگ او میرود و نابودش می‌کند. درحقیقت از بین بردن دروج مار و اردها به این دوره اختصاص دارد<sup>۶</sup>. آژوحرص کم می‌شود. مردم خوردن گوشت را کنار می‌گذارند و بترتیب از شیر و آب و گیاهان دست می‌کشند<sup>۷</sup>.

۱ - Duchesne - Guillemin, *La religion...*, P. 341

۲ - صدر بندهشن، فصل ۳۵

۳ - صدر بندهشن، فصل ۳۵ § ۱۴

۴ - Dhabhar, *The Pahlavi Rivayat*, ch XLVIII 1-22.

۵ - صدر بندهشن فصل ۳۵ § ۲۶-۳۹

۶ - *Pahlavi Rivayat*, XLVIII, 22 - 37

۷ - M. Mole, *L'Iran ancien*, P. 115



و در سرانجام مینوی جهان بدون اینکه گوشت خورده باشند مزه گوشت در بهالت دارند<sup>۱</sup>.

در آخر این هزاره ضحاک زنجیر خود را می گسلد و اینجاست که کیخسرو گرشاسب را برای از بین بردن او بیدار می کند<sup>۲</sup>.

هزاره سوم را سوشیانت باسیاوشان زینت می دهد<sup>۳</sup>. او نیز چون سی ساله می

شود و به همپرسگی او هرمزد می رود و سی شبانه روز خورشید در میان آسمان می

ایستد و فرو نمیشود<sup>۴</sup>. آخرین مبارزه میان بدیها و نیکیها در خواهد گرفت. و یک

بیک درجها و دروندان نابود خواهند شد، آخرین آنها، اهریمن و آزدستند که باید

نابود شوند. برای اینکار او هرمزد و سروش شخصاً سعی خواهند کرده تا در تمام

جهان جز نیکی و پدیده های نیکی چیزی باقی نماند.

بعد از آنست که نوبت به باز سازی جهان خواهد رسید.

بعد از مرگ روان از کالبد خارج می شود و تا سه روز در اطراف بدن گردش

می کند. اگر شخص در گذشته، اشو و بهدین نیکوکاری است روان شادمان و آگسرو

دروند بدکار است روان آزرده و غمگین میشود. در بامداد روز چهارم روان سفر

خود را بسوی دنیای دیگر آغاز می کند تا به سرچینودیل برسد. به پیشواز بهدین اشو

دختر جوانی می آید نیکو روی و پاکیزه و در جواب سؤال مرد اشو که: تو کیستی

جواب می دهد « من کردار نیک توام و خود نیکو بودم و کردار تو مرا نیکوتر

گردانید»<sup>۵</sup>.

به پذیره روان دروند، عنریته و حشتمناکی می آید. روان از او می پرسد: تو

کیستی که هرگز زشتتر و سهمناکتر از تو قیافه ای ندیده ام و او جواب می دهد

«من کردار بد توام و خود زشت بودم و تو هر روز مرا زشتتر میکردی»<sup>۶</sup>.

در سرچینودیل، سه ایزد که قضاوت را بعهده دارند، سروش، مهر و رستم

۱ - *Pahlavi Rivayat*, XLVIII, 105.

۲ - M. Moïe *L'Iran...* P. 115.

۳ - *Pahlavi Rivayat*, XLVIII, 37.

۴ - صدر دیندهشن، فصل ۳۵ § ۴۳

۵ - *Pahlavi Rivayat*, XLIII, 94

۶ - صدر دیندهشن، فصل ۹۹ § ۸

۷ - صدر دیندهشن، فصل ۹۹ § ۱۹

با ترازوی در دست انتظار او را می کشند. روان باید از این پل بگذرد. برای بهدین اشواین پل وسیع و عریض است و برای دروند باریک و چون تیغی بران<sup>۱</sup>. از اینجا دیگر باید به سرانجام سفر رسید. روح مرد اشو بطرف آسمانها می رود و مطابق مندار اعمال نیکش در یکی از چهار جایگاه متوقف می شود. جایگاه اول که پایه ستارگان است اختصاص به اندیشه نیک دارد. پایه دوم که ماه است به گفتار نیک و جایگاه سوم که خورشید است به کردار نیک، محل بهشت موعود یا گرتمان در نورهای بی پایان قرار دارد و روانی که کارهای نیکش در حد اعلا است به آنجا میرسد و بوسیله وهومنه یا بهمن بسوی تخت زرین اهورامزدا رهبری میگردد<sup>۲</sup>.

دوزخ نیز بقرینه آسمان چهار درجه دارد.

برای روانهایی که اعمال نیک و بدشان مساویست منزلگهی میان این وجود دارد بنام همیستگان. روانها در این منازل تا روز رستاخیز و بازسازی جهان جای دارند چون تصور دوزخی بودن ابدی در دین زردشتی نیست.

وقتی که در هزاره آخر برای همیشه نیکی بر بدی پیروز میشود دیگر دلیلی برای نگهداری روانهای گناهکار نیست. زیرا انسان یک مبارز است و هرانسانی جزئی از آفرینش او هر مزدی است و انسان دوزخی فقط یک مبارز مغلوب موقتی است<sup>۳</sup>.

بعد از پیروزی مطلق، وقتی امریمن نابود میشود تا برای همیشه در آنجا باقی بماند<sup>۴</sup>. نوبت به بازسازی جهان میرسد.

هسه مردگان در پنج نوبت و در پنج روز آخر سپندارمدا یا اسفند زنده خواهند شد<sup>۵</sup> گروهی می پرسند که او هر مزد چگونه میتواند بدیهایی که بکلی از بین رفته اند چون بار اول کند و نوشته های دینی پهلوی پاسخ می دهند که آفرینش انسان و سایر چیزها وقتی اصلا وجود نداشتند بمراتب مشکلتر بوده است<sup>۶</sup>.

۱- صدر بندهشن، فصل ۳ و ۲

۱- Duchesne - Guillemin, *La religion...*, P. 335.

۲- M. Mole, *L'Iran ancien*. P. 663

۳- Duchesne - Guillemin, *La religion...* . P. 351

۴- M Molé, *L'Iran...*, p, 175 .

۵- Duchesne - Guillemin, *La religion...*, P.353

در تأیید این نظریه قسمتی از کتاب صدرر بندهشن نقل میشود<sup>۱</sup>.

« و در آنگاه که مردمان فرمان یافته باشند... استخوان و رگ و پسی بز م سپرده است ، خون وریم و مانند این به آب سپرده است، مریها بشجر و نبات سپر است و جان بیاد سپرده است و تا قیامت تن پسین، این امشاسفندان این چیزها نگاه میدار چون قیامت خواهد بودن ، ایزد تعالی فرمان دهد تا اینان هر یکی ، این چیزها بس جایگاه آورند، و چون همه گرد آورده باشند (در) بیابانی جمع کنند و دادار اورم بخرد هر وسپ آگاهی خویش داند که این هر یک چیزی از تن کدام است و فرم دهد تا هر یکی جانها باز تن خویش شوند هم چنانکه بوده باشد...»  
این انسانهای زنده شده ، چهل ساله و پانزده ساله خواهند بود<sup>۲</sup>.

همه جهان تغییر شکل خواهد داد، انسانها بدنهای درخشانی خواهند داشت. آبها هرگز تیره نخواهند شد، آتش بی دود خواهد بود ، مردها و زنها خوشبخت در کنار هم زیست خواهند کرد . ولی زاد و ولدی نخواهند داشت. سیر خواهند بود بدون اینکه چیزی خورده باشند مزه همه خوراکیهای لذیذ را در دهان حس خواهند کرد و همه چیز در نهایت خوشبختی و سعادت ابدی غوطه ور خواهد بود .  
زمان محدود بسته خواهد شد و به زمان نامحدود بر خواهد گشت<sup>۳</sup>.



ژوهرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- خاتمه ، §§ ۱۰-۱۴

۲- صدرر بندهشن ، خاتمه ، §§ ۱-۴

۳- M. Molé, *L'Iran ancien*, P. 116